

ایران به دلیل رابطهای اقتصادی با چین، بسیار دیر، رابطه با این کشور را قطع کرد| انتظار این بود که قم قرنطینه شود| نظم لازم برای برخورد با کرونا وجود نداشت.

در یادداشتی به عنوان بلای بارش مرگ درباره کرونا؛



محمود دولت‌آبادی، نویسنده ایرانی در یادداشتی به عنوان "بلای بارش مرگ" درباره کرونا که به تاریخ ۲۸ و ۲۹ اسفند ۹۸ نوشته شده و در اختیار ایسنا قرار داده آورده است:

وقتی فاجعه و مصیبت مرزهای منطقی زندگی را درهم فرو می‌ریزد، انسان کرخ می‌شود. شاید این کرخی نوعی دفاع طبیعی سلسله اعصاب آدمیزاد است که ما از آن بی‌خبریم. دردها به درک تجربی من دارای عمق و بُعد متناسب با هر فرد خاصی است. شخصاً در مسیر عمر خود، چندهایی از مرگ نزدیکان را از سر گذرانیده‌ام، از کودکی تا میان‌سالی و سال‌خوردگی که اکنون در میان آن هستم. طعم و بُعد و عمق مرگ‌ها، نیز طعم اثرات رنج‌بارشان متفاوت بوده است از یکدیگر.

اکنون در میان بلای بارش مرگ هستیم؛ مرگ در جامعه خود و در جامعه جهانی. شما هیچ اندیشیده‌اید به حساسیت خودتان با این بلامرگی نسبت به تجربه‌هایی که از مرگ‌های معمول پیشین داشته‌اید؟ همین خواهد بود، و این نه بر اثر نداشتن حساسیت انسانی‌ست- نه! چنین واکنشی خاص مربوط می‌شود به میزان توانایی سلسله اعصاب آدمی؛ زیرا در وضعیت کنونی آدمیان بعد از مرگ به نام خوانده نمی‌شوند، بلکه در شمار اعداد معرفی می‌شوند و ذهن خود به خود گرایش دارد که از اعداد عبور کند، زیرا باز هم منتظر اعدادی‌ست که بعد از این خواهد آمد! در عین حال ذهن نمی‌تواند همین بلامرگی فراگیر را خاص و عام نکند. در این معنا و در کشور ما، مرگ‌های خاص آن‌هایی هستند که در خدمات درمانی- بهداشتی مشغول رسیدگی و درمان بیماران و بررسی هستند. بلی، مرگ این پیشاهنگ‌های جبهه زندگی بسیار خاص و دریغ‌انگیزست و تعارف نیست که افکار عمومی لقب قهرمانان ملی به ایشان داده است.

به گزارش اسپادانا خبر، دولت‌آبادی در ادامه متن خود آورده است:

چرا در کشور ما باید پرستار و پزشک قربانی و فدای بیمار بشود، آن هم به این کثرت، و دورین می‌چرخد روی تعداد بسیار پزشک و پرستار که در همین مدت کمتر از یک ماه به ویروس آلوده شده و جان از دست داده‌اند! آری، بی‌احتیاطی مردم و کمتر گوش سپردن عده‌ی زیادی از مردم به توصیه‌ها یکی از ارکان گسترش فراگیری این بلای فلج‌کننده است. همچنین نیازمندی کثیری از مردم فرودست که ناچارند به طلب کار و نان از خانه بیرون بروند، اما فاجعه دو رکن عمده‌ی دیگر هم دارد. یکی از این دو رکن کم‌التفاتی بود در پیشگیری و مهار به هنگام این بلا. روشن است که ایران با چین رابطهای اقتصادی- مبادلاتی دارد و با شیوع بیماری در بخشی از چین بایسته بود که آمد و شد را قطع کند، چنان که روسیه مرزهای خود را روی چین بست. ولی ما بسیار دیر چنین رابطهای را قطع کردیم و آن وقتی بود که ویروس آشکار شده بود و قربانی می‌گرفت در قم و بلافاصله در گیلان و خطه‌ی شمال کشور. انتظار بعدی این بود که به محض بروز نمونه‌ها، آن شهر را قرنطینه کنند که نشد. ایراد دیگری که وارد است، این است که نظم لازم برای برخورد با سانحه وجود نداشت و چندی زمان برد تا مقامات گوناگون بتوانند حرف خود را یکی کنند و تصمیم کلی بگیرند که طبعاً از گسترش و گسترده‌ی بیماری عقب ماندند و عقب ماندیم. جنبه‌ی دیگری که در همین ابعاد ویروس مشتمل‌کننده بوده، فساد اقتصادی است که از دوره‌ی پایانی جنگ عراق- ایران آغاز شده و همچنان ادامه دارد و این بار خودش را در احتکار کالاهای ضروری بهداشتی نشان داد. مجموعه‌ی فداکار

بهداشتی کشور در مضیقه‌ی نیازهای ضروری بهداشتی جان می‌داد و مشتی - احتمالاً- رانت‌خوار معتاد به دزدی شروع کردند به احتکار حجم زیادی از ملزومات پزشکی- درمانی تا در فرصتی آن‌ها را قاچاق با دلار بفروشند به کشورهایی که نیاز به چنین اقلامی دارند.

او در پایان یادداشت خود آورده است:

به این ترتیب بدبینانه نیست اگر بگویم ما غرق بلایای ترکیب شده‌ی جهل، بی‌نظمی، ناباوری توصیه‌های بهداشتی، فقر اقتصادی در طبقه‌ی فرودست، و رذالت مفت‌خورهایی هستیم که نه مردم دارند، نه وطن و نه خدا- کسانی که حاضرند مادر خود را هم با دلار عوض کنند؛ البته اگر خریداری بیابند! باقی می‌ماند اصل مطلب که بعد از عبور از ویروس کرونا چه خواهد شد؟ اکنون افکار عمومی دچار این گرفتاری موجود است و به خودش مجال اندیشیدن به آینده را نمی‌دهد. جهانگیر شدن این بلا هم راه قیاس را برای دولتمردان باز گذاشته است که طبق معمول در همه‌ی امور اصل قیاس را پیش می‌گیرند. اما آیا در نهان فکری هم برای آینده دارند. نمی‌دانم؟! اما شخصاً پیش از آنچه بدان دچار هستیم، نگران آینده هستیم. فقر اقتصادی و احیاناً بحران در ابعاد اجتماعی. این که از دل و درون چنان آشفستگی اقتصادی، در داخل کشور ما و در سراسر جهان چه پیش خواهد آمد، نمی‌دانم؟! نمی‌خواهم بدبین باشم و بگویم دجاری و گرفتاری بیشتر در شرایطی ناخواسته و اجباری. اما جریان نفیی که آغاز شده نظر به خوشبینی- بدبینی امثال من ندارد، چنانچه سیل از کسی مصلحت نمی‌پرسد. فقط می‌خواهم امیدوار باشم که دنیا به راه‌حلهایی نظیر جنگ و نابودی بیشتر نیندیشد و در خیال برپا کردن قیامت نباشد؛ زیرا در آن صورت مرگ و میرها دیگر هیچ طعمی نخواهند داشت!

برچسب‌ها: [سلامت](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[ادبیات](#) [3]